

دکتر احمد مهدوی دامغانی در گفت و گوی اختصاصی با «مفاخر ماندگار» عنوان کرد:

انجمن مفاخر عاملی مهمی در تکریم اهل علم ایران

صدرا صدوقی



استاد دکتر احمد مهدوی دامغانی فرزند مرحوم آیت‌اله محمد کاظم مهدوی دامغانی سال ۱۳۰۶ هجری شمسی در مشهد به دنیا آمد. او تحصیلات مقدماتی را در مشهد گذراند و از محضر علمای برجسته آن سامان همچون آیت‌الله میرزا مهدی غروی اصفهانی، آیت‌الله حاج شیخ محمدرضا خدائی دامغانی، شیخ محمد تقی نیشابوری، مجتبی قزوینی و... بهره مند شد.

این استاد برجسته ایرانی، همزمان با پایان دوره سطح علوم حوزوی به دانشگاه تهران راه یافت و در سال ۱۳۳۳ هجری شمسی با کسب رتبه اول از رشته کارشناسی ادبیات فارسی دانشگاه تهران فارغ التحصیل شد. او در تهران از درس استادانی همچون میرزا مهدی آشتیانی، شیخ محمد آملی، علامه محمد قزوینی، جلال‌الدین همایی استفاده کرد و همچنین اجازه روایت حدیث را از علامه حائری سمنانی و آیت‌الله العظمی سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی دریافت کرد. او در سال ۱۳۵۳-۱۳۵۴ بنا به دعوت دانشگاه مادرید جهت تدریس عرفان اسلامی به اسپانیا رفت و پس از بازگشت به ایران تا سال

ابیات عربی مرزبان‌نامه است. همچنین از جمله کتاب‌های چاپ‌شده این استاد برجسته، علاوه بر «کشف‌الحقایق» نسفی، به تصحیح «نسمة السحر بذكر من تشیع و شعر» می‌توان اشاره کرد. در گفت و گو با این دانشمند گرانمایه که امروز بیش از ۹ دهه از عمر بابرکتش می‌گذرد، حیات علمی و سلوک فرهنگی و اجتماعی اش را مرور کرده ایم که حاصل آن را می‌خوانید.

۱۳۶۴ به تدریس در دوره‌های کارشناسی ارشد و دکترای زبان و ادبیات فارسی اشتغال داشت. دکتر مهدوی دامغانی در دانشگاه‌های پنسیلوانیا و هاروارد آمریکا به تدریس ادبیات عرب، فقه و کلام اسلامی اهتمام دارد. از دکتر دامغانی مقاله‌های متعددی در مجله‌های یغما، کلک، گلچرخ، ایران‌نامه، ایران‌شناسی، ره‌آورد و گلستان به چاپ رسیده است. از مشهورترین مقاله‌های او مآخذ ابیات عربی کلیل و دمنه و مآخذ

نسل جدید فعال در عرصه علم و دانش بعضاً از بزرگان گذشته ما در عالم علم غافل شده اند، یا اینکه افکار آنان را قدیمی می‌دانند... نظر جنابعالی درباره این آسیب چیست و اینکه چرا حکما و بزرگان گذشته ما اهمیت دارند؟

از نظر معنی ایران یعنی چه؟ آیا مقصود از آن قطعه زمین دارای مرزهای متغیر در طول زمان است؟ بله در علم جغرافیا چنین است ولی از دیگر عناوین و ملاحظات، ایران یعنی کوروش و داریوش و اردشیر و انوشیروان و فارابی و ابن سینا و ابوریحان و خواجه نصیر و فردوسی و حافظ و سعدی و نظامی و خاقانی و باباطاهر... است. و این بلیه اسفناکی است که نسل جدید که راهنما و استاد و مرشدشان کامپیوتر و متعلقات آن است شیفته و سرگرم شده‌اند و به تلقینات و اعتقادات آن اطمینان یافته‌اند؛ از آن غافل‌اند. خداوند انشاالله عاقبتشان را خیر نماید و طبقه‌ای که زعامت معنوی جامعه را بر عهده دارند باید به این گرفتاری توجه فرمایند و چاره‌های اندیشه کنند.

یکی از بزرگان اهل علم در گذشته، مرحوم پدر جنابعالی حضرت آیت الله کاظم مهدوی دامغانی بودند؛ ایشان چه جایگاهی داشتند و خود جنابعالی به لحاظ علمی تا چه سطحی تحت تأثیر ایشان بودید؟ بنده شرمندۀ ناچیز درباره کسی که ۲۰ مرجع بزرگ خیل شیعه یعنی حضرات آیات وحید خراسانی و الحاج سید علی سیستانی مد

ظلهما و متع المسلمین بقاء هما، در مجلس درس او حاضر بوده‌اند و تا آن که بزرگوار در مشهد مقیم و مشرف بوده‌اند همواره از افاضات او در سطح فقه و اصول و خارج آن بهره‌مند می‌شده‌اند، بگویم؟ اما خود این حقیر هر چه داشته و دارم، از او دارم و او اولین و مهمترین و از نظر اخلاقی موثرترین استاد و راهنمای من بوده است رحمت الله علیه. ایشان یکی از چهار نفری است که پس از آن که رضاشاه ظالمانه حوزه علمیه مشهد را باستم خود منحل کرد، آن حوزه به همت مرحومان علی حاج میرزا احمد کفایی و آقا میرزا مهدی اصفهانی و حاج میرزا امین سبزواری و پدرم رحمت الله علیهم احیا شد.

جنابعالی با بسیاری از اهل علم گذشته مربوط بودید... اگر اجازه دهید نکاتی را از زبان شما درباره ۳ نفر از این بزرگان بشنویم؛ مرحومان محمود شهابی، حسینعلی راشد و بدیع الزمان فروزانفر... اگر امکان دارد درباره این سه استاد بزرگ نکاتی را بیان فرمایید..

حقیر مکرراً درباره هر سه این بزرگواران به تفصیل نوشته‌ام و اجمالاً عرض می‌کنم در میان آنان که به سمت استادی در دانشگاه معنون بوده‌اند و سبقه تحصیلات قدیمه داشته‌اند، سوای بدیع الزمان فروزانفر و جلال همائی که مقام و مرتبه خاص دارند، مرحوم استاد محمود شهابی از همه نظر، از اقران دانشگاهی خود امثال مرحومان مغفوران: فاضل تونی، سید محمد

مشکات، محمد سنگلجی و الهی قمشهای وحسینعلی راشد، دکتر علی اکبر فیاض... مرحوم بهمنیار سیدمحمدباقر عربشاهی سبزواری رحمت الله علیهم اجمعین، علم و افضل و اجمع بود. خدای بیامزاد. البته مرحومان استاد سید محمد تقی مدرس رضوی و حضرت سید کاظم عصار نیز مقام خاص خود را حائز اند رحمت الله علیهم. آنچه که درباره مرحوم استاد شهابی عرض کردم در نظر خود حقیر ثبوتاً مسلم است ولی اثباتاً کافی است که به کتاب‌های «رهبر خرد» و «ادوار ارفقه» و «درباره قاعده الواحد لایصدر عنه الا الواحد» تالیف مرحوم معظم له مراجعه فرمایید.

جنابعالی در فقه و اصول و الهیات تحصیلات جامعی دارید، اما همواره توجه ویژه‌ای به ادبیات فارسی داشتید؛ علت این امر چیست؟

چه عرض کنم؟! عرض کنم: «مرا طبع از آن گونه خواهان نبود» شاید؟! عرض کنم: همان امری که بسیاری از افراد فاضل حوزه‌های علمیه مشهد و قم و اصفهان و تبریز و شیراز را روانه طهران ساخت، پیش از این حقیر و پس از او، مرا هم چنان کرد؟ یا اینکه چون همکلاسان مدرسه متوسطه من بنده، برای ادامه تحصیل رشته‌های گوناگون در دانشگاه به تهران رفتند و سوای نفسانی مرا هم به دنبال آنان روانه طهران و ترک مشهد مقدس کرد؛ شاید؟! و از این بابت سالهاست که «میگزم لب که چرا گوش به نادان کردم» و به نظر بهتر بود که در سایه مبارکه اعلاحضرت

کنم مکرر و مکرر از خواندن شاهنامه حضرت فردوسی رضوان الله علیه و مثنوی مولانا و بوستان سعدی و دیوان حضرت خواجه حافظ لذت می برم و گاه اتفاق می افتد که به شدت از فصاحت و بلاغت حضرت فردوسی و سعدی و ملای رومی منقلب می شوم و های های از شدت شوق در کنج این اتناق گریه می کنم. اما در این سن سالخوردگی بنده گمان می کنم چیز دیگری مرا به وجد آورد مگر مکالمات تلفنی با دوستان عزیزم خاصه آنانکه در ایران اند که فی الحقیقه بر آن مکالمات با آن رفیقان صمیمی قدیمی که معدوداند:

**باز گو از نجد و از یاران نجد
تادر و دیوار را آری به وجد
حاکم است.**

**ارزیابی جنابعالی از آنچه
که بعد از پیروزی انقلاب از
فعالیت های انجمن آثار و
مفاخر فرهنگی در کتب و
رسانه ها ملاحظه می فرمایید،
چیست؟**

البته انجمن مفاخر در بزرگداشت مفاخر ادبی علمی ایران خدمت مهمی انجام می دهد؛ چه در زمانی که جناب استاد دکتر مهدی محقق دامت افاضاته آن را اداره می فرمودند و چه اکنون که مرد فاضل جامعی مثل آقای دکتر بلخاری دامت افاضاته آن خدمت مهم را انجام میدهند؛ عامل مهمی در ارجال و تکریم اهل علم و ادب است؛ خداوند بر توفیقاتشان بیفزاید انشالله. و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطاهیرین.

من بنده را کمک و ارشاد فرموده است. زیرا منتهای مطالب هر دو فرقه ی متاله از همان احادیث مستفاد می شود؛ «مَنْ أَرَادَ اللَّهَ بَدَأَ بِكُم» مسلم است.

**پیش از پیروزی انقلاب، جدا
از فعالیت های حقوقی، چه
فعالیت های فرهنگی انجام
می دادید؟**

بنده از وقتی که از دانشکده معقول و منقول لیسانسیه شدم به صورت پیمانی در دبیرستان های پهلوی و دارالفنون و... و سپس به تدریس در حوزه های لیسانس و دکترای الهیات در دانشکده الهیات و دوره های دکترای در دانشکده ادبیات تا آخرین هفته اقامتم در ایران یعنی (آبان ۱۳۶۴ شمسی) موفق بوده ام و مقالات بسیاری از این حقیر در مجلات ادبی آن ایام مثل مجله یغما و راهنمای کتاب چاپ شده است، به هر حال همواره خدمتگزاری به فرهنگ ایران اسلامی را وظیفه خود شمرده ام.

**هم در گذشته و هم امروز چه
چیزی جنابعالی را به «وجد»
می آورد؟**

به تلاوت کلام الله مجید مرتباً به حمدالله موفقم و به فرمایش حضرت مولا الموالی علیه السلام که: «مَا جَالَسَ هَذَا الْقُرْآنَ أَحَدٌ إِلَّا قَامَ عَنْهُ بِرِّيَادَةٌ أَوْ نُقْصَانٌ» معتقد و امیدوارم. البته اگر مقصودتان احساس لذت روحانی باشد و آن که از تلاوت قرآن حاصل می شود به حمدالله؛ اگر مقصودتان از وجد این است که از خواندن آثار ادبی از کدام یک بیشتر تحت تاثیر قرار می گیرم باید عرض

اقدس علی بن موسی الرضا صلوات الله علیه در همان مشهد می ماندم و پس از استفاضه از حوزه علمیه مشهد به نجف اشرف مشرف می شدم و... و... ولی افسوس که به قول حضرت خواجه شیراز «الآن قد ندمت و ما ینفع الندم»

شاید درست باشد، نمی دانم، ولی حدیث شریف نبوی که «اعملوا فکل میسر لما خلق له» حاکم بر این احوال است الحمد لله علی کل حال.

**در حوزه فلسفه و عرفان
اسلامی علائق شما چطور بود؟
آیا به صورت خاص به این شاخه
علاقه مند بودید؟**

خب اولاً استفاده از محضر استادان محترم فلسفه اسلامی در مشهد یعنی مرحومان مغفوران شیخ سیف الله رئیسی و سید ابوالقاسم الهی از غندی أطاب آثارهما و سپس در ک محضرانور مرحوم رضوان جایگاه آیت الله آقای میرزا مهدی آشتیانی قدس سره و بعداً اهتمام به مثنوی حضرت مولانا قدس سره و حدیقه سنایی رضوان الله تعالی علیه و تذکره الاولیاء عطار و حلیه الاولیاء ابی نعیم اصفهانی قدس سره، این موهبت الهی را به من بنده افاضه فرمود که بین خود و خدا بتوانم میان تعلیماتی که از مرحوم مغفور آیت الله آقا میرزا مهدی غروی اصفهانی قدس سره استفاده کرده ام و همواره بدان معتقدم و فرمایشات حکماء و عرفاء یک نوع التیام و توافقی در ذهن خود بیابم که جامع میان هر دو مسلک باشد و در این باب بسیاری از احادیث حضرات معصومین علیهم السلام،